

Explaining the Concept of Good Fellowship in Contemporary Iranian Neighborhoods based on the Islamic lifestyle (Case study: 3 neighborhoods in Sanandaj)

Kasra ketabollahi¹, Azita Balali Oskoyi², Morteza Mirgholami³

¹ PhD Candidate, Islamic Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran, (Corresponding Author)

² Associated Professor, Urban Design Department, Architecture & Urban Design Faculty, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

³ Associated Professor, Urban Design Department, Architecture & Urban Design Faculty, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

(Received: 20.11.2022, Revised: 25.01.2023, Accepted: 04.01.2023)
<https://doi.org/10.22075/AAJ.2022.25288.1121>

Abstract:

In the contemporary era of centralism in the structure of urban management, economic and social changes and developments have caused the loss of social and physical cohesion of neighborhoods, so that with the emergence of urban development plans, neighborhoods are simply a unit of urban divisions based on population and enjoyment. Basic neighborhood services have become. In this study, assuming the difference in the type of association according to different economic / social / physical characteristics in different neighborhoods, respectively, in three neighborhoods, newly built, historical and dilapidated, including Shalman (newly built, density of 6 floors); Head (historical, density of 2 floors); Nisser (informal settlement, with a density of 2 floors) were selected for the case study. The method used in this research is a combination of content analysis methods, surveys and conversations, based on which attendance at the neighborhood level, using a 24-question questionnaire and interviewing people is done. Spss 16 software is used in the analysis of the questionnaire. The results of this study show that in neighborhood relations, all three subsets of good fellowship, ie, "participation, dignity and virtue", exist in different proportions, only the level of establishing relationships, how they are, how the relationship is extensive, and so on. Which can be defined under the influence of neighborhood characteristics and confirms that antisocial factors affect how to socialize. In the contemporary era of centralism in the structure of urban management, economic and social changes and developments have caused the loss of social and physical cohesion of neighborhoods, so that with the emergence of urban development plans, neighborhoods are simply a unit of urban divisions based on population and enjoyment. Basic neighborhood services have become. In this study, assuming the difference in the type of association according to different economic / social / physical characteristics in different neighborhoods, respectively, in three neighborhoods, newly built, historical and dilapidated, including Shalman (newly built, density of 6 floors); Head (historical, density of 2 floors); Nisser (informal settlement, with a density of 2 floors) were selected for the case study. The method used in this research is a combination of content analysis methods, surveys and conversations, based on which attendance at the neighborhood level, using a 24-question questionnaire and interviewing people is done. Spss 16 software is used in the analysis of the questionnaire. The results of this study show that in neighborhood relations, all three subsets of good fellowship, ie, "participation, dignity and virtue", exist in different proportions, only the level of establishing relationships, how they are, how the relationship is extensive, and so on. Which can be defined under the influence of neighborhood characteristics and confirms that antisocial factors affect how to socialize.

Keywords: Islamic lifestyle, biography, Social Relation, good company, neighborhood, Sanandaj

¹ Email: ketabollahi.kasra@gmail.com

² Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

³ Email: m.mirgholami@tabriziau.ac.ir

معاشرت در محلات معاصر ایران بر مبنای سبک زندگی

اسلامی (نمونه موردی: سه محله در شهر سنندج)

کسری کتاب الهی^۱، آزینا بلالی اسکوئی^۲، مرتضی میرغلامی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^۳ دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2022.25288.1121>

مقاله علمی-پژوهشی

چکیده

در دوران معاصر، تمرکزگرایی در ساختار مدیریت شهری موجب از بین رفتن انسجام اجتماعی و کالبدی محلات شده است؛ به گونه‌ای که با ظهور طرح‌های توسعه شهری، محلات صرفاً به یک واحد تقسیمات شهری بر اساس جمعیت و برخورداری از خدمات پایه محله‌ای تبدیل شده‌اند. در این پژوهش، با فرض تفاوت نوع معاشرت متناسب با ویژگی‌های مختلف ساختاری محله، به ترتیب سه محله نوساز، تاریخی و بافت فرسوده، شامل شالمان، سرتپوله و نایسر انتخاب شدند. روش استفاده‌شده در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های تحلیل محتوای متون، پیمایشی و مفاهمه‌ای است که بر اساس آن، حضور در سطح محلات، استفاده از پرسش‌نامه ۲۴سؤالی و مصاحبه با مردم انجام شده است. در تحلیل پرسش‌نامه، از نرم‌افزار Spss16 بهره گرفته‌ایم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در روابط همسایگی، هر سه زیرمجموعه حسن معاشرت، یعنی مشارکت، کرامت و فضیلت، به نسبت‌های متفاوتی وجود دارند. فقط سطح برقراری روابط، چگونگی آن‌ها، نحوه گستردگی روابط می‌تواند تحت‌تأثیر ویژگی‌های محله تعریف شود که مؤید این مسئله است که عوامل غیراجتماعی در چگونگی برقراری معاشرت تأثیرگذار هستند.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی اسلامی، سیره، نصوص، حسن معاشرت، محله، سنندج.

¹ Email: ketabollahi.kasra@gmail.com

² Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

³ Email: m.mirgholami@tabriziau.ac.ir

محلات شهری، بخش جدایی‌ناپذیر از ساختار اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و کالبدی شهرهای سنتی ایران بوده‌اند. در دوران معاصر، تمرکزگرایی در ساختار مدیریت شهری، تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی، موجب از بین رفتن انسجام اجتماعی و کالبدی محلات شده است؛ به‌گونه‌ای که با ظهور طرح‌های توسعه شهری، محلات صرفاً به یک واحد تقسیمات شهری بر اساس جمعیت و برخورداری از خدمات پایه محله‌ای تبدیل شده‌اند (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۵؛ معروفی و دولابی، ۱۳۹۹: ۲۶؛ غروی‌الخوانساری، ۱۳۹۳: ۶۱). یکی از مضامین فراموش‌شده محلات سنتی ایرانی، حسن معاشرت ساکنان و همسایگان با یکدیگر است که هم‌سو با تغییرات ساختاری/کالبدی محلات شهری، دچار دگرگونی شده است.

در این پژوهش، با فرض تفاوت نوع معاشرت، متناسب با ویژگی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در محلات مختلف، به ترتیب سه محله نوساز، تاریخی و بافت فرسوده، شامل شالمان (نوساز)، تراکم شش طبقه؛ سرتپوله (تاریخی، تراکم دوطبقه)؛ نایس (سکونت‌گاه غیررسمی، تراکم دوطبقه) انتخاب شده‌اند. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱. جلوه حسن معاشرت در محلات سنتی و معاصر ایران چیست؟ ۲. شیوه‌های مداخله برای ارتقای معاشرت احسن ساکنان محلات شهری کدام‌اند؟
ضمن تشریح مفهوم حسن معاشرت بر مبنای سبک زندگی ایرانی-اسلامی، هدف اصلی پژوهش، ارائه پیشنهادهایی برای مداخله در محلات شهر سنندج، جهت تقویت معاشرت احسن ساکنان است. علی‌رغم تحقیقات گسترده پژوهشگران در موضوع محله،

به دلیل تازگی و نوع نگرش متفاوت این پژوهش به مقوله محله، انجام آن ضروری می‌نماید. این پژوهش در پنج بخش به انجام می‌رسد. در بخش نخست، مفهوم و ویژگی‌های بارز محله (سنتی) و سیر دگرذیسی ماهیت اجتماعی آن تا امروز، بیان می‌شود. در بخش دوم، با تکیه بر نصوص دینی و منطبق بر سبک زندگی ایرانی-اسلامی، مفهوم معاشرت تبیین می‌شود. در بخش سوم، ضمن بررسی نتایج حاصل از موردپژوهی، در خصوص جلوه حسن معاشرت در محله‌های شهری معاصر بحث می‌شود. در بخش چهارم، با تمرکز بر یافته‌های تحقیق، گونه‌شناسی محله‌های معاصر بر اساس مفهوم معاشرت معرفی شده و در بخش پایانی، پیشنهادهایی جهت تبیین مفهوم حسن معاشرت در محله‌های معاصر ایران، با تأکید بر سبک زندگی ایرانی-اسلامی ارائه خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف تحقیق، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها، کیفی و بر اساس تحلیل محتوای نصوص دینی مرتبط با حسن معاشرت و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با محله انجام می‌پذیرد. بر اساس موضوع نیز در زمره تحقیقات نظام‌بخش قرار می‌گیرد. چارچوب نظری پژوهش با مطالعه و بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسنادی معتبر تکمیل می‌شود. تحلیل محتوای مضمون‌مبنا، تحلیل مضمونی و یک راهبرد تحلیلی به شیوه ساده‌سازی داده‌هاست که در آن، داده‌های کیفی در نصوص دینی تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، خلاصه و بازسازی می‌شوند؛ به شیوه‌ای که در آن، مهم‌ترین داده‌ها در جریان تحقیق، ذخیره می‌شوند (منبع). با توجه به جمعیت تقریبی ۵۴ هزارنفره هر سه محله، بر اساس نظر نویسندگان و نسبت حجم

جمعیت، مجموعاً تعداد صد پرسش‌نامه به‌عنوان حجم نمونه به دست آمد که ۵۵ برگه برای توزیع در نایسر، ۲۰ برگه در شالمان و ۲۵ برگه در سرتپوله تعریف شد تا بر اساس آن بتوان از ویژگی‌های اجتماعی نهفته در روابط همسایگی اطلاع کسب کرد.

جامعه آماری پژوهش، تمامی ساکنان و کسبه هر سه محله و زمان توزیع پرسش‌نامه‌ها نیمه دوم خرداد ۱۴۰۰ بوده است. بر این اساس، شرط قرارگیری افراد در جامعه آماری، حضور هفتگی حداقل ۴۲ ساعته در محلات مذکور است که تمامی ساکنان، کسبه و شاغلان مقیم و غیرمقیم را شامل می‌شود. برای هم‌سویی با فراگیری موضوع، نمونه‌ها از سنین، صنوف و مشاغل مختلف انتخاب شده‌اند. بر این اساس، بازه سنی ۱۵ تا ۷۰ سال به‌عنوان سن متعارف نمونه آماری شامل نوجوان، جوان، بزرگسال و کهنسال، با حداقل یک سال حضور در محلات انتخاب شده است. زمان تکمیل پرسش‌نامه و مصاحبه به‌گونه‌ای انتخاب شد که طیف گسترده‌تری از مردم در محلات حضور داشته باشند و همه‌شمولی جامعه آماری حفظ شود. بر این اساس، روزهای ۱۵ تا ۱۸ خرداد ۱۴۰۰ به‌عنوان زمان توزیع پرسش‌نامه انتخاب شد؛ به‌طوری که دو روز تعطیلی رسمی و دو روز کاری را شامل می‌شد. نکته مهم دیگری که در توزیع پرسش‌نامه اهمیت دارد، توجه به پراکنش مناسب پرسش‌نامه‌ها و توزیع مکانی مناسب آن‌ها در سطح محلات است. بر این اساس، توزیع پرسش‌نامه در بیشتر محلات، با پراکنش مناسب به انجام رسید.

با توجه به اینکه پرسش‌نامه‌ها به شیوه مصاحبه تکمیل شد، قبل از شروع مصاحبه، مصاحبه‌گر با برقراری رابطه صمیمانه با پرسش‌شونده، از طریق گپ صمیمانه، طرح موضوع پژوهش، به اشتراک گذاشتن دیدگاه‌های مشترک جامعه و شنیدن تجربیات، مشکلات و درددل‌ها، آمادگی روانی و اعتماد لازم را در پرسش‌شوندگان ایجاد کرد. استفاده از گویش، ادبیات رایج و استفاده از پوشش و لباس محلی توسط مصاحبه‌گر، خصوصاً در محلات تاریخی و فرسوده، از جمله نکات دیگری بود که به‌منظور افزایش تعامل با پرسش‌شونده به کار گرفته شد. پرسش‌نامه در چهار سؤال باز و بیست سؤال بسته تنظیم شد. تحلیل نتایج حاصل از پرسش‌نامه، با استفاده از نرم‌افزار Spss به انجام رسید و ضمن مقایسه تطبیقی محلات هدف، متناسب با ویژگی‌های هر محله، راهبردها و راهکارهایی برای افزایش حسن معاشرت بر اساس سبک زندگی ایرانی-اسلامی پیشنهاد شد.

چارچوب نظری پژوهش

واحد همسایگی

برای واژه محله در ادبیات جهانی، دو واژه Neighbourhood و Township استفاده می‌شود. واژه اول جمعیتی بالغ بر ۲ تا ۱۰ هزار نفر و واژه دوم ۱۵ تا ۴۰ هزار نفر جمعیت را در بر می‌گیرد. واژه نخست دارای هویت مشخصی است؛ اما واژه دوم مربوط به محدوده‌ای دارای فرصت‌های شغلی متنوع و تجهیزات لازم، از جمله مراکز تفریحی، مراکز خرید و... است (Barton, et al, 2003: 22). در ایران، جمعیت ساکن محله ۷۰۰ تا ۱۲۵۰ خانوار، معادل ۳۵۰۰ تا ۶۲۵۰ نفر با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده (۴ تا ۵ دقیقه) تعریف می‌شود. بر اساس تعریف محله در دو

۱. بر اساس نظر ساروخانی (۱۳۷۴) در مواردی که جامعه گسترده است و شناسایی دقیق افراد از نظر سکونت، میزان سکونت و ... دشوار، تعداد صد پرسش‌نامه‌ی روایی انتظار می‌رود.

اجتماعی هم‌سو با تحولات کالبدی، شاکله محلات شهری به‌عنوان ساختار منسجم اجتماعی رو به افول گذاشت و امروزه به‌عنوان یک واحد تقسیمات شهری بر اساس جمعیت و برخورداری از خدمات پایه، همچنان که در تعاریف رسمی فوق ملاحظه شد، تبدیل گردیده است.

پیشینه پژوهش‌های مرتبط با محله

مطالعات زیادی به مقایسه ساختار محلات سنتی ایران با مدل‌های ارائه‌شده در غرب پرداخته‌اند. بخش عمده-ای از این مطالعات، معطوف به ساختار کالبدی محلات شده که نهایتاً منجر به ارائه پیشنهادهایی برای معاصرسازی الگوهای کالبدی محلات سنتی ایران گردیده است. آنچه کمتر به چشم می‌آید، معاصرسازی اجتماعی محلات بر مبنای مفاهیمی همچون حسن معاشرت ساکنان بر اساس سبک زندگی ایرانی-اسلامی است.

علی‌رغم اینکه پژوهش‌های متعددی با محوریت محله انجام پذیرفته، در زمینه مفهوم معاشرت آحسن در محلات شهری، پژوهشی انجام نگرفته است و همین مهم، وجه تازگی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. بر این اساس، در قسمت پیشینه پژوهش، به بررسی پژوهش‌های مرتبط با دو موضوع محله و سبک زندگی اسلامی پرداخته می‌شود.

غروی الخوانساری (۱۳۹۳) معتقد است یکی از مؤثرترین روش‌های مطالعه ویژگی‌های محله، مطالعه سابقه تاریخی محله‌های سنتی است. وی معتقد است احیای هویت محلی، احیای مکان و اجتماع محلی است و می‌تواند با زندگی شهری امروز انطباق یابد. بنابراین برای احیای هویت محلی، دو مرحله بازشناسی (شامل مرزبندی اجتماعی-فرهنگی محله،

سطح عناصر شاخص (نظیر مدرسه ابتدایی و مسجد) و عناصر توزیعی (نظیر مراکز تجاری روزانه و هفتگی، پارک محله، مکان ورزشی و واحد بهداشتی) استخوان‌بندی محله را تشکیل می‌دهند (حبیبی و مسائلی، ۱۳۷۸: ۱۳).

وجود و تداوم سازمان و استخوان‌بندی محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، ترکیب عملکردها و فعالیت‌ها برای ایجاد وحدت فضایی، وجود نشانه‌ها و عرصه‌های مختلف نیمه‌خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی به‌عنوان بستر اصلی در تعاملات و روابط اجتماعی، از دیگر ویژگی‌های محله به شمار می‌روند (حبیبی، ۱۳۸۲: ۳۳-۳۵).

همان‌گونه که در مقیاس جهانی، شهرها برحسب جمعیت، فرم و تراکم و سایر ویژگی‌های خود متفاوت هستند، برای محله نیز شاخص‌هایی نظیر جمعیت، سطح و شکل، معرف آن‌ها نیستند. در مقابل، عواملی نظیر هویت تشخیص‌پذیر، ادراک ساکنان، نام و مرزهای کالبدی، معرف محله‌ها هستند (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۷).

در شهرهای سنتی ایران، محله، بخش جدایی‌ناپذیر ساختار اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و کالبدی شهر ایرانی است. محلات شهری، واحدهای اجتماعی خودگردان با بافت اجتماعی-فرهنگی همگن بوده است که زندگی در آن، بر پایه ثروت و موقعیت اجتماعی نبوده و فقرا و اغنیا در یک واحد فضایی می‌زیسته‌اند (معروفی، ۱۳۹۷؛ خیرآبادی، ۱۳۷۶). بدیهی است هم‌بستگی‌های قومی، مذهبی، صنفی و زبانی، عامل انسجام محلات، معاشرت آحسن و رمز پایداری و بقای ساکنان بوده است. پس از آغاز طرح‌های توسعه شهری و برون‌داد شهرسازی بلدوزری در قالب پدیده اعیانی-سازی در دوران پهلوی اول و دوم و دگرگونی بافت

نظام سلسله‌مراتبی فضایی و فعالیتی، رعایت مقیاس، انسجام و هماهنگی در بافت و سیمای کالبدی، مرکز محله و خدمات محلی) و تشخص (شامل شاخصه‌های معنایی) مشخص می‌شود. وی در این پژوهش، سبزه راهکار احیای هویت محلی را در پنج دسته اصلی به‌صورت انطباق و اتصال مناسب با شهر، خودکفایی نسبی، سامان‌دهی کالبدی، مردمی‌کردن و تقویت حس تعلق انسانی معرفی می‌کند.

بهزادفر و همکاران (۱۳۹۷) ضمن تأکید بر اهمیت تولید فضاهای معاشرت‌پذیر در استخوان‌بندی محلات و بررسی آن در خیابان اصلی محله گیشا، سه مقوله کشف فضاهای شهری (توسط مردم به‌عنوان مرکز محله)، مناسب‌سازی (شامل اقدامات مردم در تغییر فضا) و وقوع رفتار اجتماعی (شامل تنوعی از رفتارها و روابط اجتماعی در حال تکثیر و تغییر) را مجموعاً با عنوان فضای معاشرت‌پذیر مطرح می‌کنند.

معروفی و دولابی (۱۳۹۹) معتقدند با تکیه بر سه عامل تأکید بر جامعه محلی منسجم، تمرکززدایی و واگذاری تصمیم‌گیری ساختن به جامعه محلی و تأکید بر سرمایه اجتماعی، می‌توان در زمینه معاصرسازی محلات سنتی ایران، همراه با نگاه کالبدی، با عنوان رویکرد محله‌مبنا استفاده کرد.

لقمان و همکاران (۱۳۹۷) می‌گویند که نقصان مفهوم هویت و دل‌بستگی به آن‌ها، از سیر پالایش مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی می‌گذرد. آن‌ها در زمینه تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی، چهار مقوله روابط اجتماعی (شامل شبکه‌های اجتماعی، گروه دوستانه، گروه کار و گروه مدنی)، مشارکت (شامل مشارکت در اهداف خاص و جمعی)، انسجام (احساس تعلق، ارزش‌های جمعی و تمایل به کار جمعی) و نهایتاً اعتماد (به افراد و نهادها) را مطرح می‌کنند. آن‌ها معتقدند سرمایه

اجتماعی را به‌عنوان تبیینگر مناسب در میزان توسعه-یافتگی و کیفیت زندگی شهری محلات می‌توان در نظر گرفت.

عزیزی (۱۳۸۵) بیان می‌کند که محله نارمک تهران را می‌توان یک محله پایدار دانست که محصول برنامه-ریزی و طراحی شهرسازان دوران معاصر است و اصول پایداری در این محله، از ابعاد مختلف کالبدی اجتماعی چون سرزندگی، دسترسی، تنوع، تأمین خدمات و امنیت، در حد زیادی تحقق یافته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد آستانه ظرفیت‌های جمعیتی و ساختمانی در حفظ پایداری محله، دارای اهمیت بوده و باید به اصل ظرفیت تحمل‌پذیر محله به‌عنوان یک اصل تعیین‌کننده و اجتناب‌ناپذیر توجه جدی شود.

عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) به آشنایی با ارزش‌های پایدار در کالبد محله‌های سنتی و بهره‌گیری از آن در طراحی معاصر پرداخت‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد عواملی چون درون‌گرایی، رعایت حریم، سلسله‌مراتب ساختاری، تنوع کالبدی و اجتماعی، مقیاس مناسب، وجود عرصه‌های گوناگون تعاملات اجتماعی، فضاهای عمومی و عوامل هویت‌بخش، در پایداری اجتماعی محلات نقش دارند.

به اعتقاد زیاری و طبیبیان (۱۳۹۵)، محلات هم‌زیست در قالب چهار مؤلفه انسجام شبکه‌های اجتماعی، رفتارهای طبیعت‌گرایانه، حس سلامت در ساکنان و همگن بودن بافت اجتماعی محله، همگی برآورده‌کننده پایداری در سطح محلات بوده و می‌توانند در زمینه بهبود کیفیات محیطی محله‌های معاصر تأثیرگذار باشند.

بسیاری از محققان دیگر، همچون عبداللهی و همکاران (۱۳۸۹)، لطفی و همکاران (۱۳۹۳)، غفاریان بهرمان و

همکاران (۱۳۹۵)، انصاری ارجمند و همکاران (۱۳۹۵)، شاه‌یوندی و طالبی (۱۳۹۶)، صدیق و همکاران (۱۳۹۷) و بهزادپور و همکاران (۱۳۹۸) نیز با رویکردهای مشابه، به بحث و بررسی دربارهٔ موضوع محله پرداخته‌اند.

جدول ۱- پیشینه پژوهش‌های مرتبط با محوریت محله (مأخذ: نگارندگان)

پیشنهادها	اندیشمندان - سال
خودکفایی نسبی، سامان‌دهی کالبدی، مردمی کردن و تقویت حس تعلق انسانی	غروی الخوانساری (۱۳۹۳)
کشف فضاهای شهری (توسط مردم به‌عنوان مرکز محله)، مناسب‌سازی (شامل اقدامات مردم در تغییر فضا)، وقوع رفتار اجتماعی (شامل تنوعی از رفتارها و روابط اجتماعی در حال تکثیر و تغییر)	بهزادفر و همکاران (۱۳۹۷)
جامعهٔ محلی منسجم، تمرکززدایی و واگذاری تصمیم‌گیری به جامعهٔ محلی، تأکید بر سرمایهٔ اجتماعی معاصر سازی محلات سنتی ایران	معروفی و دولابی (۱۳۹۹: ۳۵)
روابط اجتماعی (شامل شبکه‌های اجتماعی گروه‌های دوستانه و کار و مدنی، شدت ارتباطات همکاران و دوستان)، مشارکت (شامل مشارکت در اهداف خاص و جمعی)، انسجام (احساس تعلق، ارزش‌های جمعی و تمایل به کار جمعی) و اعتماد (به افراد و نهادها)	لقمان و همکاران (۱۳۹۷)
آستانهٔ ظرفیت‌های جمعیتی و ساختمانی در حفظ پایداری محله، دارای اهمیت است	عزیزی (۱۳۸۵)
درون‌گرایی، رعایت حریم، سلسله‌مراتب ساختاری، تنوع کالبدی و اجتماعی، مقیاس مناسب، وجود عرصه‌های گوناگون معادل سطوح مختلف تعاملات اجتماعی، فضاهای عمومی و عوامل هویت‌بخش	عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)
محلات همزیست در قالب چهار مؤلفهٔ شبکه‌های اجتماعی و انسجام آن، رفتارهای دوستدار محیط‌زیست، حس سلامت در ساکنان و همگن‌بودن بافت اجتماعی محله، برآورده‌کنندهٔ پایداری در سطح محلات هستند	زباری و طبیبیان (۱۳۹۵)
مجموعه‌ای از اصول کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در زمینهٔ ارتقای کیفیات زندگی در سطح واحدهای همسایگی	بهزادپور و همکاران (۱۳۹۸) عبداللهی و همکاران (۱۳۸۹) لطفی و همکاران (۱۳۹۳) غفاریان‌بهرمان و همکاران (۱۳۹۵) انصاری‌ارجمند و همکاران (۱۳۹۵) شاه‌یوندی و طالبی (۱۳۹۶) صدیق و همکاران (۱۳۹۷)

پیشینه پژوهش‌های مرتبط با سبک زندگی اسلامی

در این بخش، پژوهش‌های انجام‌شده در حوزهٔ معماری و شهرسازی به تاسی از سبک زندگی اسلامی، ارائه می‌شود. فیضی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان

«درآمدی بر سبک زندگی اسلامی»، معتقد است معادل واژهٔ سبک زندگی در فرهنگ اسلامی، «سیره» است. سبک زندگی برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی است و بنیاد سبک زندگی اسلامی، علاوه بر اعتقادات که مشتمل بر روح توحید در تمامی شئون زندگی است، شامل امور ارزشی و اخلاقی ثابت است.

بررسی دوسویه اجزای مثلث نیاز، دین و سبک زندگی، نشان از ارتباط جدانشدنی آن‌ها دارد.

فیضی و همکاران (۱۳۹۹)، معتقدند چهار مؤلفه اصلی در سبک زندگی اسلامی، شامل ارتباط فرد با خدا، ارتباط فرد با خود، ارتباط فرد با دیگران و ارتباط فرد با طبیعت است که شاخص‌های ارتباط فرد با فرد و فرد با دیگران که مرتبط با حسن معاشرت است،

به ترتیب در قالب قاعده زرین، ارتباط شاد با دیگران، امیدداشتن در روابط با دیگران، مهربانی و احترام گذاشتن، نیکی و کمک کردن، رعایت حقوق دیگران، آسیب‌نرساندن به دیگران، رعایت عدالت در برابر دیگران، گذشت‌داشتن، مدارا کردن در روابط اجتماعی، پرهیز از خشونت در برخورد با دیگران و منفعت‌طلبی جمعی، دسته‌بندی می‌شود.

جدول ۲- پیشینه پژوهش‌های مرتبط با محوریت سبک زندگی ایرانی اسلامی، مأخذ نگارندگان

پیشنهادها	اندیشمندان - سال
سبک زندگی اسلامی ناشی از اجزای مثلث «نیاز، دین، سبک زندگی»	فیضی و همکاران (۱۳۹۲)
چهار مؤلفه اصلی در سبک زندگی اسلامی، شامل ارتباط فرد با خدا، ارتباط فرد با خود، ارتباط فرد با دیگران و ارتباط فرد با طبیعت است که شاخص‌های ارتباط فرد با فرد و فرد با دیگران که مرتبط با حسن معاشرت است، به ترتیب در قالب قاعده زرین عبارت‌اند از: نشاط و شادی‌داشتن در ارتباط با دیگران، امیدداشتن در روابط با دیگران، مهربانی و احترام گذاشتن، نیکی و کمک کردن، رعایت حقوق دیگران، آسیب‌نرساندن به دیگران، رعایت عدالت در برابر دیگران، گذشت‌داشتن، مدارا کردن در روابط اجتماعی، پرهیز از خشونت در برخورد با دیگران، منفعت‌طلبی جمعی	فیضی و همکاران (۱۳۹۹)
ممانعت از تهویه مطلوب ابنیه مجاور، اشراف به همسایه از طریق بلندمرتبه‌ساختن بنا، تضعیف آرامش ابنیه مسکونی، صعوبت انجام برخی تکالیف اجتماعی، تعارض با انجام برخی مستحبات عبادی، تعارض با فرهنگ حجاب و عفاف، مکان‌یابی نامطلوب ریزفضاهای مسکونی از جمله نکات الزام‌آور رعایت ارتباط فرد با فرد و فرد با دیگران است.	رئیزی (۱۳۹۹)
سبک زندگی اسلامی به‌عنوان سبک ارزشمند و برتر در بین تمامی ادیان الهی	رسا و همکاران (۱۳۹۹)
سبک زندگی اسلامی، ترکیبی سلسله‌وار و تعاملی از آموزه‌های وحیانی (نظام معنایی توحیدی)، بینش (نام معرفتی)، گرایش‌ها (ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی) و کنش (الگوسازی رفتار دینی) است.	حسین‌پور و همکاران (۱۳۹۶)
شرایط کالبدی، امنیت و ایمنی، زمان فعالیت، دسترسی و معاشرت‌پذیری، از جمله ویژگی‌های تأثیرگذار بر سبک زندگی اسلامی و تأثیرپذیر از آن است	حاجی‌احمدی و همکاران (۱۳۹۴)
رازداری، امانت‌داری، پایبندی به عهد و پیمان، مسئولیت‌پذیری، مهربانی و رأفت با دیگران، متواضع و خوش‌برخورد بودن، نمونه‌هایی از سبک زندگی اسلامی است	موحد و همکاران (۱۳۹۹)
شناخت سبک زندگی اجتماعی و در اولویت قرار دادن آن منجر به ارتقای امنیت خانواده و سپس امنیت اجتماعی می‌شود	ستوده‌گندشمین و همکاران (۱۳۹۵)
وجود ارتباط بین سبک زندگی اسلامی و سلامت اجتماعی، لزوم برخورداری از عبادات و آداب اسلامی در جمع	افشانی و همکاران (۱۳۹۳)
رابطه سبک زندگی اسلامی و امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر روابط مطلوب همسایگی	موسوی و همکاران (۱۳۹۵)
حسن ظن و مثبت‌اندیشی را به‌عنوان یکی از شاخه‌های سبک زندگی اسلامی در ایجاد روابط اجتماعی مثبت، ارزشمند می‌داند	قاسمی‌راد و همکاران (۱۳۹۷)
لزوم برخورداری از قوانین و چارچوب علمی منطبق بر سبک زندگی اسلامی در ساخت‌وسازها	حمزه‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)

سبک زندگی اسلامی، از جمله مسائل اساسی انسان است که انتظار می‌رود جامعیت قرآن کریم، پاسخ مناسبی به آن داشته باشد. قرآن کریم تعریف لغوی و اصطلاحی ارائه نمی‌دهد، بلکه ویژگی‌های آن را بیان می‌کند و از خصوصیات و ویژگی‌ها می‌توان به تعریف و شناخت لازم دست یافت (رسا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۶). همچنین از روایات و نیز نهج‌البلاغه، در تفسیر مفاهیم و موضوعات مرتبط بهره گرفته شده است.

یکی از تفاوت‌های اصلی انسان و حیوان، نیازهای عاطفی و اخلاقی است. به نظر می‌رسد علم اخلاق بر همه تعلیمات و دانش دینی مقدم باشد. به تعبیر دیگر اخلاق از میان علوم اسلامی، گوهر و هسته دین است که هدف از رسالت و بعثت نبی اکرم (ص) معرفی شده است (مجلسی، ۱۳۶۱: ۲۱۰). انسان‌ها نیاز به معاشرت دارند و در این معاشرت باید از یکدیگر صفا، محبت و گذشت ببینند و از دورویی، خیانت، تزویر، افترا و ناراحت کردن همدیگر اجتناب ورزند. خداوند در قرآن کریم بارها درباره معاشرت در کانون خانواده، خصوصاً روابط زوجین سخن گفته است. با این حال، در زندگی اجتماعی نیز اگر معاشرت احسن حاکم باشد، بسیار ایده‌آل خواهد بود.

اندیشه و نگرش انسان‌ها، کیفیت زندگی آن‌ها را می‌سازد. آیات قرآن کریم، احادیث پیامبر (ص) و سخنان اهل بیت (ع) این نوع نگرش را تأیید می‌کنند (قاسمی‌راد و مولایی، ۱۳۹۷: ۱۲۳). آیه ۱۰ سوره حجرات، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، ادب در برخورد با دیگران را در قلمرو اسلامی، لازم دانسته و در بین تمامی جوامع بشری سودمند می‌شمارد. از آنجا که انسان در «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» خلق شده است، لازمه پرورش چنین موجودی، برخوردی احسن است. آنچه در آیه ۵۳ سوره اسراء، «قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ»^۲ و آیه

نتایج پژوهش رئیسی (۱۳۹۹)، با عنوان «تحلیلی میان-رشته‌ای بر تعارضات معماری مسکن آپارتمانی با سبک زندگی اسلامی با استناد به آموزه‌های نقلی اسلام»، نشان می‌دهد الگوی توسعه عمودی ابنیه مسکونی (آپارتمان، برج و آسمان‌خراش)، به دلایل متعددی چون تقابل با انجام برخی تکالیف اجتماعی، تقابل ضمنی با برخی از آیات و ادعیه و تضعیف فرهنگ عفاف و حجاب، از منظر متون دینی، مطلوبیت ندارد. از دیدگاه وی، ممانعت از تهویه مطلوب ابنیه مجاور، اشراف به همسایه از طریق بلندساختن بنا، تضعیف آرامش ابنیه مسکونی، صعوبت انجام برخی تکالیف اجتماعی، تعارض با انجام برخی مستحبات عبادی، تعارض با فرهنگ حجاب و عفاف و مکان‌یابی نامطلوب ریزفضاهای مسکونی، از جمله نکات الزام‌آور رعایت ارتباط فرد با فرد و فرد با دیگران است.

حُسن معاشرت در سبک زندگی اسلامی

مفهوم سبک زندگی، اولین بار در سال ۱۹۲۹ توسط آلفرد آدلر^۱، روان‌شناس اجتماعی مطرح شد (مجددی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۲). از نظر وی، سبک زندگی، یعنی کلیت بی-همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند (همان: ۱۹۱). سبک زندگی در لغت به معنای نوع، روش، طرز، شیوه شکل‌دادن یا طراحی چیزی مطابق با معیار شناخته شده، شیوه‌هایی برازنده و متناسب در رفتار اجتماعی پنداشته می‌شود (فیضی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰). سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی به لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تفاوت‌هایی دارد. در سبک زندگی غربی، انسان‌مداری حاکم است و مباحث مختلفی از جمله الگوهای فراغت، تفریح، کسب‌وکار، مصرف و در مجموع روابط انسانی حول این مفهوم بنیان‌گذاری شده است.

۲. و بندگانم را بگو که همیشه سخن بهتر را بر زبان آرند، که شیطان (بسیار شود به یک کلمه زشت) میان آنان دشمنی و فساد برمی‌انگیزد؛ زیرا دشمنی شیطان با آدمیان واضح و آشکار است.

1. Alfred Adler

۸۳ سوره بقره، «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» ذکر شده، صرفاً برخورد لفظی نیست، بلکه مطلق، رفتار و معاشرت است.

حوزه اسلامی همانند محدوده خانواده است که بر مدار مهر و محور محبت می‌گردد و طبق آیه ۱۹ سوره نساء، «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، و آیه ۵ سوره بقره، «فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ»^۱، همواره ندای زندگی ایده‌آل طنین‌افکن بوده و فصل و وصل آن‌ها در گرو احسان و لطف خواهد بود.

یکی از مفاهیم حسن معاشرت، وجود عدل و مساوات است. خداوند در آیه ۲۷۹ سوره بقره، «لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»، در نهی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری سخن گفته و هر دو را رد می‌کند.

یکی دیگر از نکاتی که در حسن معاشرت دارای اهمیت است، جلوگیری از تحقیر دیگران، هتک حرمت و حیثیت افراد است. با توجه به آیه ۱۶۵ سوره انعام، «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ و آیه ۳۲ سوره زحرف، «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»^۳ روشن می‌شود که

هرگونه مواهب الهی، آزمون بندگان خداست، نه تکریم واجدان و تحقیر فاقدان آن‌ها و هدف، تقسیم عادلانه وظایف اجتماعی است. آیه ۱۱ سوره حجرات، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَ لَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ»^۴ نیز با تأیید این موضوع، اعلام می‌کند که باید جلوی هرگونه تحقیر و فخرفروشی را گرفت و حفظ احترام متقابل، بر همگان لازم است تا معاشرت جامعه در پرتو تأمین کرامت، زمینه پیدایش مدینه فاضله را فراهم آورد.

بر اساس آیه ۳۰ سوره روم، روابط انسان‌ها با یکدیگر به صورت عادی، فطری است. انسان همواره بر اساس فطرت خود متمدن است. «فِطَرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۵ انسان بر اساس فطرت الهی خود با دیگران همکاری می‌کند و حقوق آن‌ها را محترم می‌شمارد. بنا به فطرت انسانی و بر اساس فرمایش رسول اکرم (ص): «لَا يَسْتَكْمِلُ الْمَرْءُ الْإِيمَانَ حَتَّىٰ يَحِبَّ لِأَخِيهِ نَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ» (بخارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۵۷)، انسان هر آنچه را برای خود می‌خواهد، باید برای دیگران نیز همان را اختیار کند. بنابراین غارت منابع طبیعی، آلوده کردن محیط‌زیست، تجاوز به حقوق دیگران و... با مدنیت فطری انسان سازگار نیست.

تمامی مباحثی همچون همکاری، تعاون، تفاهم، مساعدت، مشارکت، احساس همدردی، سرمایه اجتماعی،

۱. طلاق (طلاق که شوهر در آن رجوع تواند کرد) دو مرتبه است. پس چون طلاق داد یا رجوع کند به سازگاری و یا رها کند به نیکی و حلال نیست که چیزی از مهر آنان به جور بگیرید، مگر آنکه بترسید حدود دین خدا را راجع به احکام ازدواج نگاه ندارند. در چنین صورت، زن هر چه از مهر خود به شوهر (برای طلاق) ببخشد، بر آنان روا باشد. این احکام، حدود دین خداست. از آن سرکشی مکنید و کسانی که از احکام خدا سر پیچند، آن‌ها به حقیقت ستمکارند.

۲. و او خدایی است که شما را جانشین گذشتگان اهل زمین مقرر داشت و رتبه بعضی را از بعضی بالاتر قرار داد تا شما را در آنچه به شما داده (در این تفاوت رتبه‌ها) بیازماید، که همانا خدا زودکیفر و بسیار بخشنده و مهربان است.

۳. آیا آنان رحمت پروردگارت (درمورد تعیین پیامبر) را (میان خود) تقسیم می‌کنند، درحالی‌که ما معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم (تا چه رسد به اعطای مقام والای نبوت) و درجات بعضی انسان‌ها را بر برخی دیگر برتری دادیم تا برخی از آنان برخی

دیگر را به خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند، بهتر است.

۴. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگز گروهی (از مردان شما) گروه دیگر را مسخره نکنند. شاید آن گروه (مسخره‌شدگان) بهتر از آنان باشند و نه زنانی زنان دیگر را. شاید آن گروه بهتر از آنان باشند و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و همدیگر را به لقب‌های زشت مخوانید. بدنام‌گذاری است (یاد کردن مؤمن به) فسق پس از ایمان (مؤمن را به نام مرتکب گناهان خواندن) و آنان که توبه نکنند، آن‌ها بند که ستمکارند.

۵. پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

از خودگذشتگی و ایثار، از جلوه‌های اجتماعی فطرت سلیم آدمی است که مدنیت مدنظر دین نیز بر پایه چنین اموری شکل یافته است.

با توجه به کثرت ادیان، مذاهب و اقوام در کشور ایران، زندگی مسالمت‌آمیز مردم با یکدیگر، از اهمیت زیادی برخوردار است. بر اساس آیات قرآن کریم، صاحبان ادیان و مذاهب مختلف می‌توانند با پذیرش خطوط کلی دین همدیگر، باهم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند (آملی، ۱۳۸۶: ۳۰۰). بر پایه آیه ۶۴ سوره آل عمران، رسول اکرم (ص) خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ.»^۱ انسان‌ها باید موحد باشند و هیچ‌یک خود را بر دیگری تحمیل نکنند. این مفهوم به معنای کثرت‌گرایی دینی نیست، بلکه به معنای احترام متقابل و زندگی مسالمت‌آمیز مردم با یکدیگر است.

یکی از مسائل مهم در زندگی، برقراری پیوند دوستی و صمیمیت با دیگران است. در اسلام، روابط اجتماعی بر پایه دوستی بنا شده است؛ بنابراین، حضرت علی(ع) سفارش کرده است که دوستان خود را زیاد یاد کنید که آنان در دنیا یار و یاور شما و در آخرت شفاعت‌خواه شما هستند (حرّ عاملی، ۱۳۷۲: ۴۹۱).

خوش‌اخلاقی و برخورد شایسته، یکی دیگر از اصول معاشرت با دیگران است که ائمه(ع) و از جمله امام علی(ع) از آن به حُسن خلق تعبیر کرده و در برخورد با دیگران، سفارش فرموده‌اند. در روایتی از آن حضرت آمده است: «هیچ آسایش و لذتی گوارتر از حُسن خلق نیست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸: ۲۵۵).

۱. بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنیم که به‌جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم و برخی برخی را به‌جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند، بگوئید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم.

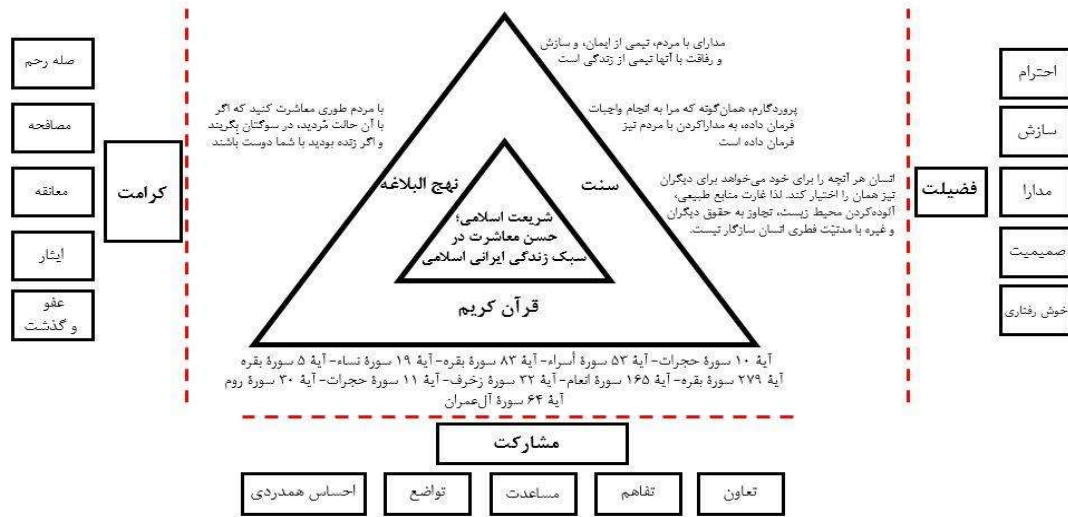
یکی دیگر از مضامین معاشرت احسن با مردم از دیدگاه امام علی(ع)، رعایت صداقت و راستی است. ایشان در این خصوص می‌فرماید: «صداقت و راستی، محکم‌ترین پایه ایمان است.»

حضرت، جایگاه «ادب» را بالاتر از «عقل» می‌داند و می‌فرماید: «هر چیزی محتاج عقل است و عقل، محتاج ادب» (همان: ۶۷۵).

زندگی در جوامع بشری، اخلاقی انعطاف‌پذیر می‌طلبد. در جوامع انسانی، افراد مختلفی با روحیات گوناگون زندگی می‌کنند. جماعتی زودرنج‌اند، گروه دیگر سعه‌صدر دارند، عده‌ای بذله‌گو هستند و گروهی جدی و خشن و... . با توجه به این همه روحیات متنوع، بدیهی است که انسان نمی‌تواند با همه افراد یک گونه رفتار کند. پس لازمه مردم‌داری و معاشرت با دیگران، شناخت روحیات و خلقیات مردم است؛ بنابراین ضروری است بدانیم افرادی که اطراف ما زندگی می‌کنند، چه ویژگی‌هایی دارند. برای معاشرت مناسب با مردم، لازم است آن‌ها را بشناسیم و با در نظر گرفتن روحیات هر شخص، رفتار کنیم. از رسول خدا(ص) روایت شده است: «پروردگار همان‌گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). در حدیث دیگری چنین روایت شده است که جبرئیل به محضر رسول خدا(ص) آمد و از سوی خدا چنین پیام آورد: «ای محمد، پروردگارت سلام می‌رساند و به تو می‌گوید با بندگان من مدارا کن» (حرّ عاملی، ۱۳۶۷: ۵۴۰). همچنین در این باره رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «مدارا با مردم، نیمی از ایمان و سازش و رفاقت با آن‌ها نیمی از زندگی است» (ری شهری، ۱۳۸۶: ۲۳۹). امیر مؤمنان حضرت علی(ع)، دیدگاه کلی اسلام را درباره معاشرت با مردم چنین تبیین می‌کند: «با مردم طوری معاشرت کنید که اگر با آن حالت مُردید، در سوگتان بگریند و اگر زنده بودید، با شما دوست باشند» (نهج‌البلاغه، بی‌تا: ۱۰)؛ یعنی به‌گونه‌ای

زندگی کنیم که دیگران از مرگ ما ناراحت و از دیدار ما خوشحال و خشنود باشند. این مفهوم در سطح خانه‌های آپارتمانی، مجتمع‌های مسکونی، بلوک، کوچه و محله، اهمیت دوجندانی می‌یابد. بنابراین توجه به ویژگی‌های کالبدی و ساختار محلات، باید به‌نحوی باشد که سبک

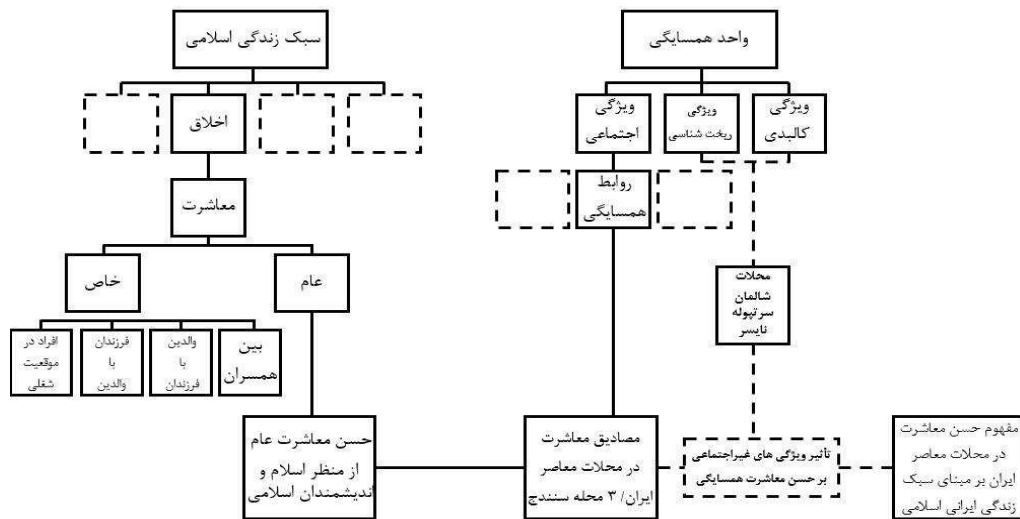
زندگی کنیم که دیگران از مرگ ما ناراحت و از دیدار ما خوشحال و خشنود باشند. این مفهوم در سطح خانه‌های آپارتمانی، مجتمع‌های مسکونی، بلوک، کوچه و محله، اهمیت دوجندانی می‌یابد. بنابراین توجه به ویژگی‌های کالبدی و ساختار محلات، باید به‌نحوی باشد که سبک



تصویر ۱- جمع‌بندی مفهوم معاشرت بر اساس نصوص دین مبین اسلام (مأخذ: نگارندگان)

شالمان، سرتپوله و نایسر، به بحث گذاشته شده و از تحلیل نتایج مرتبط با آن، سعی گردیده چگونگی تأثیر ویژگی‌های غیراجتماعی، همچون کالبد، اقتصاد و امور زیربنایی بر معاشرت احسن را شناسایی شود.

بر این اساس، در این پژوهش به‌منظور تحقق هدف و بررسی مفهوم حسن معاشرت در سطح محلات معاصر، منطبق بر دیگرام زیر اقدام می‌شود. ضمن دستیابی به مفهوم حسن معاشرت عام، نمود آن در محلات



تصویر ۲- چگونگی تأثیرات سبک زندگی اسلامی و روابط موجود در واحد همسایگی (مأخذ: نگارندگان)

معرفی نمونه موردی

پیش‌فرض انجام پژوهش این است که تغییرات کالبدی در سطح واحد همسایگی، موجبات تغییر در نحوه معاشرت و روابط اجتماعی را در محلات انتخاب‌شده به وجود می‌آورد. بنابراین، سه محله که به‌لحاظ ویژگی‌های ساختاری، تفاوت زیادی با همدیگر دارند، برای انجام پژوهش انتخاب شد. محله شالمان، محله‌ای نوساز است که ساکنان ساکنان با سطح اجتماعی و اقتصادی بالایی را موجب شده است. محله سرتپوله که هم‌زمان با تأسیس شهر سندیج به‌عنوان یکی از نخستین محلات هسته مرکزی شهر وجود داشته، در جریان پدیده اعیانی‌سازی، دچار تحول شده و بخشی از ساکنان اصیل آن جابه‌جا شده‌اند. همچنین دارای آثار تاریخی متعدد مذهبی، تاریخی و فرهنگی است که عمده‌تاً هویت و حس تعلق به این محله را پررنگ می‌کند. نایسر، محله‌ای است که در طول یک دهه گذشته، از یک روستای هزارنفری به ناحیه منفصل ۷۲ هزار نفری تبدیل شده است. رشد شتابان و خودانگیخته را در طول یک دهه تجربه کرده است و در وضعیت کاملاً ناپایداری به‌لحاظ اقتصادی، زیربنایی و کالبدی به سر می‌برد.

یافته‌ها و بحث

ضمن بررسی نصوص دینی، شریعت اسلامی و آرای متفکران اسلامی در حوزه مرتبط با محله و حسن معاشرت، کرامت، فضیلت و مشارکت، به‌ترتیب در قالب مفاهیم «صله رحم، مصافحه، معانقه، ایثار و عفو»، «احترام، سازش، مدارا، صمیمیت و خوش‌خلقی» و «تواضع، تعاون، تفاهم، مساعدت و

مراوده» مشخص شد. بر این اساس، پرسش‌نامه ۲۴ سؤالی شامل ۲۰ سؤال بسته بر مبنای طیف لیکرت پنج‌گانه و ۴ سؤال باز تنظیم شده دارای سه بخش اصلی بر اساس دسته‌بندی زیرمجموعه مرتبط با مفهوم معاشرت است. بر این اساس، ضمن رعایت تعادل در توزیع پرسش‌نامه، با در نظر گرفتن شرایط سنی و جنس شرکت‌کنندگان، ۵۴ درصد پاسخ دهندگان را زنان و ۴۶ درصد را آقایان تشکیل دادند. ۲۸ درصد پاسخ‌دهندگان در رده سنی ۲۰ تا ۳۵ سال، ۳۳ درصد در رده سنی ۳۵ تا ۵۰ سال، ۲۶ درصد در رده سنی ۵۰ تا ۶۰ سال و بقیه در رده سنی ۶۰ تا ۷۰ بوده‌اند. با در نظر گرفتن هم‌ارزش بودن سؤالات و مفاهیم، آنچه در نتایج پرسش‌نامه به دست آمد، به شرح زیر ارائه می‌شود.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میزان فضیلت در محله شالمان که نماینده محلات با سطح اقتصادی بالاست، با ۲۲ درصد، در کمترین میزان خود قرار دارد. همچنین میزان مشارکت اجتماعی در این محله ۲۱ درصد ارزیابی شده که در مقایسه با محلات دیگر، چشمگیر است. باید توجه داشت نوع مشارکت در این محلات، متفاوت است؛ مثلاً در محله شالمان، ساکنان از اختصاص زمان و جنبه‌های فیزیکی مشارکت خودداری کرده و تمایل به مشارکت مالی دارند؛ اما در سایر محلات، ترجیح بر پیگیری حضوری و حتی همکاری در انجام پروژه است.

در موضوع کرامت، محله منفصل نایسر با ۲۰ درصد، کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. با این حال، تفاوت آمار، نشان می‌دهد از نظر کمی، میزان معاشرت در محلات، نسبتاً نزدیک به هم بوده و برتری بین آن‌ها وجود ندارد.

محله نایسر	محله سر تپوله	محله شالمان
		
		
		
<ul style="list-style-type: none"> - رشد قارچ گونه و تأسیس به عنوان ناحیه منفصل ۱۳۸۹ شمسی - جمعیت: ۳۶ هزار نفر - فاقد آثار تاریخی - مساحت: ۳۰۹ هکتار - میانگین تراکم ارتفاعی: ۲,۱ واحد 	<ul style="list-style-type: none"> - تأسیس هم زمان با شکل گیری شهر سنندج، ۱۰۴۰ قمری - جمعیت: ۹۷۰۰ نفر - آثار تاریخی ثبت ملی و استانی: - عمارت آصف (خانه کرد سنندج)، عمارت مشیر دیوان، منزل خورشید لقاخانم، منزل احمدی، عمارت تاریخی ملک التجار، منزل خوشنواز، مسجد خورشیدلقا خانم - مساحت: ۱۳ هکتار - میانگین تراکم ارتفاعی: ۲,۵ واحد 	<ul style="list-style-type: none"> - تأسیس دهه ۷۰ شمسی - جمعیت ۷۲۰۰ نفر - فاقد آثار تاریخی - مساحت: ۲۰ هکتار - میانگین تراکم ارتفاعی: ۴,۸ واحد

تصویر ۳- موقعیت جغرافیایی محلات مطالعه شده در شهر سنندج، مشخصات و ویژگی ها (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۳- مصادیق تأثیرگذار بر معاشرت و روابط اجتماعی همسایگی از دیدگاه ساکنان (مأخذ: نگارندگان)

مصادیق		زیرمجموعه معاشرت عام	
داشتن نشاط و شادی، مهربانی و احترام گذاشتن، نیکی و کمک کردن، رعایت حقوق دیگران، آسیب نرساندن به دیگران، رعایت عدالت در برابر دیگران، پرهیز از خشونت در برخورد با دیگران، حضور یافتن در رویدادها و مناسبات همسایگی، مانند تولد، ازدواج، سرپازی، جشن پذیرش دانشگاه و...، رعایت حقوق همسایگان، مانند پارک خودرو، کیسه زباله، آلودگی محیطی و صوتی و...، رازداری، امانت‌داری		احترام، سازش، مدارا، صمیمیت، خوش خلقی	فضیلت
منفعت‌طلبی جمعی، ممانعت از تهویه مطلوب ابنیه مجاور، عدم اشراف به همسایه از طریق بلندمرتبه‌ساختن بنا، حفظ آرامش ابنیه مسکونی، صعوبت انجام برخی تکالیف اجتماعی، انجام برخی مستحبات عبادی جمعی، رعایت فرهنگ حجاب و عفاف، پیگیری مشکلات ساختمان، محوطه یا محله، همکاری در کسب رزق و روزی و امرار معاش		تواضع، تعاون، تفاهم، مساعدت، مراوده	مشارکت
گذشت، مدارا کردن در روابط اجتماعی، دیدوبازدید کردن، تماس تلفنی و روابط در سطح شبکه‌های اجتماعی، همنشینی، احوالپرسی صمیمانه و دست‌دادن و روبوسی کردن و در آغوش گرفتن		صله رحم، مصافحه، معانقه، ایثار، عفو	کرامت

جدول ۴- درصد مصادیق تأثیرگذار بر معاشرت روابط اجتماعی همسایگی از دیدگاه ساکنان (مأخذ: نگارندگان)

Hosne Mo'asherat dar Ravabet Hamsayegi						
Gender			Mo'asherat	Shalman	Sartapole	Naysar
Valid	Female	54	Fazilat	10.0	14.0	21.0
			Mosharekat	7.0	23.0	27.0
			Keramat	21.0	20.0	9.0
	Male	46	Fazilat	12.0	24.0	19.0
			Mosharekat	14.0	19.0	20.0
			Keramat	17.0	17.0	11.0
Total		100				

شایان ذکر است این موارد در مفهوم اجتماع و روابط همسایگی معنا می‌یابد و منظور، شخصیت، رفتار و منش افراد ساکن در این محلات نیست.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد فرض اولیه درخصوص اینکه وضعیت ساختار کالبدی می‌تواند معاشرت احسن ساکنان را دچار تغییر کند، رد می‌شود. هرچند باید

توجه داشت این موضوع می‌تواند بر چگونگی، استمرار و عمق رابطه اثر بگذارد. از دیگر سو، به‌دلیل یکپارچگی و یکدستی وضعیت کالبدی در محلات بررسی‌شده، این مهم استخراج شد که ساکنان این محلات، وضعیت کالبدی محله خویش را دلیلی برای برقراری ارتباط با دیگر همسایگان می‌دانند. این تحقیق نشان می‌دهد در روابط همسایگی، مشارکت، کرامت و فضیلت وجود دارد. فقط سطح و

چگونگی برقراری روابط و نحوه گسترده‌گی روابط می-
تواند تحت تأثیر ویژگی‌های محله تعریف شود.
باید به این نکته اشاره کرد که در هر سه گونه محله،
علی‌رغم تفاوت بافت و ریخت‌شناسی کالبدی، معاشرت
در روابط همسایگی برقرار بود؛ اما نوع آن متناسب با
احترام، سازش، مدارا، صمیمیت، خوش‌خلقی، تواضع،

تعاون، تفاهم، مساعدت، صلۀ رحم، مصافحه، معانقه،
ایثار و عفو متقابل ساکنان می‌تواند متفاوت باشد.
نتایج حاصل از تحلیل پرسش‌نامه، هم‌بستگی
مشخصی را بین متغیرها نشان می‌دهد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابراهیمی، کلثوم (۱۳۹۳)، اخلاق معاشرت از نظر آیات و روایات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حوزه علمیه خراسان، مدرسه علمیه زهرای اطهر، مشهد.
- انصاری ارجمند، محسن، سیدمصطفی حسینی و گلشن کاویان‌پور (۱۳۹۵)، سنجش سرمایه اجتماعی در محلات شهر مشهد، مطالعه موردی: محلات منطقه ۳، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۲۰: ۷۷-۳.
- بهزادپور، محمد، ابوالفضل کربلایی حسینی غیاثوند و بهناز منتظر (۱۳۹۸)، مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های کالبدی پایداری اجتماعی در محلات قدیم و جدید شهری، مطالعه موردی: شهر قدیم و جدید هشتگرد، معماری و شهرسازی پایدار، (۱) ۷: ۱۷۷-۱۹۶.
- بهزادفر، مصطفی، علی غفاری، عباس وریج‌کازمی و فاطمه دوستی (۱۳۹۷)، تولید فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر در محله؛ بافت میانی شهر تهران، صفه، ۱۵: ۸۰-۶۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، اسلام و محیط‌زیست، قم: اسراء.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۸)، غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۲)، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله، هنرهای زیبا، ۱۳: ۳۹-۲۳.
- حبیبی، سیدمحسن و صدیقه مسائلی (۱۳۷۸)، سرانه کاربری‌های اراضی شهری، تهران: سازمان ملی زمین و مسکن.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۷)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- _____ (۱۳۷۲)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۶، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- رسا، امید و محمد فراهانی (۱۳۹۹)، تبیین علل تفاوت سبک زندگی اسلامی با سایر سبک‌های زندگی، از دیدگاه قرآن کریم، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، (۱) ۳: ۲۱۰-۱۷۹.
- رئیس‌ی، منان (۱۳۹۹)، تحلیلی میان‌رشته‌ای بر تعارضات معماری مسکن آپارتمانی با سبک زندگی اسلامی با استناد به آموزه‌های نقلی اسلام، پژوهش‌های معماری اسلامی، (۲۸) ۸: ۲۰-۳.
- زیاری، کرامت‌الله و بهار طیبیبیان (۱۳۹۵)، محلات همزیست، معرفی الگویی از اجتماع محلی پایدار، معماری و شهرسازی پایدار، (۱) ۴: ۳۱-۴۲.
- شاه‌یوندی، احمد و افسانه طالبی (۱۳۹۶)، تحلیل عوامل هویت‌بخش در محلات قدیم شهری با نشانه‌های مذهبی، مطالعه موردی محله شاهزاده ابراهیم اصفهان، مرمت و معماری ایران، (۱۳) ۷: ۱۸-۱.
- صدیق، محمد، صدیقه لطفی و مصطفی قدمی (۱۳۹۷)، مطالعه نقش عوامل محیط انسان‌ساخت در فعالیت پیاده‌روی افراد در محلات مسکونی، مطالعه موردی منطقه ۷ کلان‌شهر تهران، شهر پایدار، (۲) ۱: ۷۸-۶۵.

- عبدالله‌زاده، مهسا، محمود ارژمند و احمد امین‌پور (۱۳۹۶)، ابعاد پایداری اجتماعی در کالبد محله‌های سنتی ایران، نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز، آرمانشهر، ۱۹: ۵۴-۳۵.
 - عبداللهی، مجید، مظفر صرافی و جمیله توکلی‌نیا (۱۳۸۹)، بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۲: ۱۰۲-۸۳.
 - عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۵)، محله مسکونی پایدار، نمونه موردی نارمک، نشریه هنرهای زیبا، ۲۷: ۴۶-۳۵.
 - غروی الخوانساری، مریم (۱۳۹۶)، از محله سنتی تا محله معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیای هویت محلی در شهر امروز، آرمانشهر، ۲۱: ۷۶-۶۱.
 - غفاریان بهرمان، محمد و همکاران (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی زیست‌پذیری محلات شهری، مورد مطالعه: منطقه ۱۸ تهران، پژوهش‌های محیط‌زیست، ۱۴(۷): ۵۸-۴۵.
 - فیضی، زهرا و همکاران (۱۳۹۹)، شاخص‌ها و مؤلفه‌های کاربردی سبک زندگی اسلامی در تبلیغات محیطی، سبک زندگی، ۱۰(۶): ۴۹-۲۹.
 - فیضی، مجتبی (۱۳۹۲)، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، معرفت، ۱۸۵(۲۲): ۴۲-۲۷.
 - قاسمی‌راد، مهین و فاطمه مولایی (۱۳۹۷)، تأثیر مثبت‌اندیشی در سبک زندگی اسلامی، دانش انتظامی زنجان، ۸(۲۶): ۱۴۴-۱۲۳.
 - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، اصول کافی، ج ۴، قم: انتشارات دارالحدیث.
 - لطفی، صدیقه و همکاران (۱۳۹۳)، تحلیل و اولویت‌بندی بررسی کیفیت زندگی محلات شهری، مطالعات موردی شهر جویبار، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۲۹: ۱۶-۱.
 - لقمان، مونا و همکاران (۱۳۹۷)، سنجش و مقایسه سرمایه اجتماعی در گونه‌های متفاوت محلات شهری، نمونه موردی محله سلطان میراحمد و فین کاشان، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱۳(۷): ۸۹-۶۱.
 - لطفی، صدیقه، طاهر پرزادی و ارغوان نجاتی (۱۳۹۷)، تحلیل فضایی زیست‌پذیری محلات شهری، مطالعه موردی منطقه ۱۰ تهران، برنامه‌ریزی منطقه‌ای جغرافیا، ۳(۸): ۲۲-۷.
 - مجدی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۹۰)، سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین، علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۶(۷): ۱۶۲-۱۳۱.
 - مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۱)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار، بیروت.
 - معروفی، حسین (۱۳۹۷)، بازخوانی شهر ایرانی (اسلامی) بررسی نهادهای نقش آفرین در حاکمیت شهری و بازتاب فضایی آنان در شهرهای دوران صفویه و قاجار، معماری و شهرسازی ایران، ۹(۱۵): ۴۵-۳۳.
 - معروفی، حسین و پویا دولابی (۱۳۹۹)، معاصرسازی مفهوم محله در شهر ایرانی با نگاه بر مبانی برنامه‌ریزی محله‌مبنا، معماری و شهرسازی ایران، ۱۱(۱۹): ۴۰-۲۵.
- Barton, H. (2003), *Shaping Neighborhood: A Guide for Health, Sustainability and Vitality*, London and New York: Spon Press, England.